

زیباشناسی فضای جمعی

ارزیابی زیبایی در سه فضای شهر تهران

چکیده | فضای جمعی و زیباشناسی دو مفهومی هستند که امروزه در ادبیات شهری جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند. نقطه پیوند این «دوگانه» در مقوله معنای فضا زند انسان و نقش او در شکل دهی به این معناست. اقدامات زیباشناسانه از طریق مداخله انسان در فضای جمعی به بروز معنا در تجربه محسوس مخاطب از آن می‌انجامد. این اقدام، میزان انطباق معنا را با ذهن مخاطب تعیین می‌کند. هرچه اقدام زیباشناسانه با ذهنیت جامعه هم سوتراشد، مخاطب معنای عمیق‌تری از فضای جمعی دریافت خواهد کرد. در مقابل، اقدامات زیباشناسانه که اغلب به دلایل ایدئولوژیک، اقتصادی، بی‌برنامگی از ذهنیت جامعه به دورند، در محصول خود به‌وضوح دچار آشتگی و بی‌معنایی می‌شوند.

واژگان کلیدی | فضای جمعی، زیباشناسی، مداخله انسان، تهران.

مریم السادات منصوری،
پژوهشگر دکتری
معماری منظر، دانشگاه
پاریس غرب، لاآفانس



maryamansouri@gmail.com

تصویر ۲
Pic2

تصویر ۲: آن‌چه از نظرگاه بل طبیعت برای کاربران به نظره گذاشته شده است یادآور این ابیات «قیصر امین پور» است: «خداء، روستا را / بشو، شهر را / و شاعران، آرمان شهر را آفریدند / که در خواب هم، / خواب آن را ندیدند». عکس: مریم السادات منصوری، ۱۳۹۳.

Pic2: What has been left to watch for the users from the Tabiat (Nature) bridge belvedere, reminds this poem of Gheysar Aminpour (a contemporary Iranian poet): «God created the village, human created the city and poets, Utopia, which even in their dreams, didn't dream of it» Photo: Maryam Mansouri, 2015.

مفاهیم نظری پژوهش

فضای عمومی^۱ و فضای جمعی^۲

در ادبیات منظر شهری «Public space» عبارتی مصطلح است که در غرب به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته و در حوزه‌های متعدد تئوریزه شده است. «Public space» در فارسی غالباً «فضای جمعی» ترجمه می‌شود در صورتی که ترجمه اصلی آن فضای عمومی است. ضرورت این تمایز در ادامه مشخص می‌شود.

فضای عمومی مفهومی است که در سال‌های ۱۹۸۰ خصوصاً در اروپا به عنوان راه حلی برای بحران اجتماعی و شهری آن زمان که عبارت بود از بی‌معناشدن ارزش‌ها، انزواط‌طلبی گروه‌های اجتماعی و خشونت‌های رفتاری با هدف تسکین روابط اجتماعی و توسعه احساس تعلق افراد به یک مجموعه مشترک به میان آمد (Levy et Ius-sault, 2003: 333). ریشه آکادمیک این کانسپت را به «یورگن هابرمانس»^۳ فیلسوف آلمانی منتبه کرده‌اند که در سال‌های ۱۹۵۰ مفهوم «عرضه عمومی»^۴ را مطرح کرد. اتفاقاً در مبحث فضای عمومی است که متفکرین اروپایی، شهرنشینی را ز دموکراسی تمیز می‌دهند (Joseph, 2002: 36): زیرا فضای عمومی با سیاست پیوند تنگاتنگی خود دارد و یکی از اصول دموکراسی تلقی می‌شود: محل ایده‌آل ابراز عقیده. پژوهش‌های هابرمانس هم‌سو با این گفتار، اساساً حوزه سیاسی را مخاطب قرار می‌دهد؛ به این معنا که «عموم» به گمان او، عبارت از فردی‌ای است که مدعی چنین و چنان بوده و با قوه تعقل خود تصمیم‌گیری می‌کند و فضای عمومی محل ظهور این تصمیمات است. کتاب هابرمانس که برگرفته از تذکری او بود در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسید با مفهوم فضای عمومی شهری که پیش‌تر توسط معماران، شهرسازان و چگرانی‌دانان استفاده می‌شد وارد تنش شد زیرا بیش از آن که به ابعاد شهری فضای عمومی بپردازد، فضای مشترک فعالیتی را مدنظر قرار می‌داد. او بر این باور است که فضای عمومی صرفاً فضای دیالوگ سیاسی و ارتباط میان افراد است و حتی می‌تواند شکل مادی نداشته باشد (Habermas, 1978).

در فرهنگ لغات تخصصی شهر و زندگی اجتماعی، فضای عمومی فضایی قابل دسترس و کارکردی است که فعالیت‌های اجتماعی و تعاملات افراد را امکان می‌بخشد و در زندگی شهری مشارکت فعال دارد (Levy et Ius-sault, 2003: 333). «جان دیوئی»^۵ فیلسوف آمریکایی فضای عمومی را «مکان زندگی گردهم»^۶ می‌داند (Dewey, 1908: 211). «هانا آرنت»^۷ فیلسوف آلمانی معتقد است فضای عمومی آن چیزی است که ما، با پیشینیان



مقدمه | مفهوم فضای جمعی اگرچه در ادبیات عمومی شهری به مفهوم فضای عمومی شهری نزدیک به نظر می‌رسد، اما تمایز معنایی این دو انکارناپذیر است. فضای جمعی نه تنها نوعی از فضاهای شهری نیست بلکه دارای ارزشی معنایی است که جوهر آن را متمایز می‌کند. از طرف دیگر، مفهوم زیباشناسانه در این مبحث جایگاه ویژه‌ای دارد که در مقاله تشریح خواهد شد. لذا باید توجه داشت هدف و موضوع این نوشتار پس از یک مرحله تحلیل میدانی ناموفق بوده و فاقد معناست.

روش‌شناسی | این نوشتار پس از یک مرحله مطالعه نظری مفاهیم اصلی پژوهش، وارد مرحله تحلیل میدانی درسه نمونه موردي از تهران می‌شود. تحلیل میدانی در دو مقیاس انجام می‌گیرد: مقیاس جزء‌نگر شامل حضور پژوهشگر در محل و برداشت عناصر کالبدی و ویژگی‌های فضایی می‌شود. بلکه وجه خاص «ارزیابی زیباشناسانه» آن هاست. پس از تبیین معنای این اصطلاح، پژوهش حاضر جزء‌نگراست، به استخراج اقدام مهم زیباشناسانه در هر نمونه می‌پردازد.

در نهایت، اقدام زیباشناسانه از نظر انطباق با نتیجه تولید شده در فضای جمعی ارزیابی می‌شود.

فرضیه | چشم‌اندازهای آرمان‌گرایانه اقدامات

تصویر ۳: دو چهره خیابان انقلاب اسلامی در مقابل سردر دانشگاه تهران: اول، کاربری عملکردی خیابان به عنوان دسترسی سواره و پیاده مهمن شهر و دوم، فضای گردهم‌آیی مردم برای ابراز عقاید و خواسته‌هایشان در جنبش‌های انقلاب اسلامی. با جای دادن حرکت‌های انقلابیون، این فضای شهی در خاطره مشترک مردم تهران و حتی ایران جای گرفت. عکس: مریم السادات منصوری، <http://tnews.ir/news/400734166764.html>، ۱۳۹۳.

Pic3: Two faces of Enghelab-e Eslami Avenue (Islamic Revolution ave). in front of the entrance of Tehran Campus University : first, the functional use of the avenue as an important roadway and pedestrian urban access _second, a people's gathering space for announcing their thoughts and demands while the Islamic Revolution movements (1979). By hosting the revolutionary movements which took place in Tehran, even Iran citizen's collective memory is shaped.
Photo: Maryam Mansouri. <http://tnews.ir/news/400734166764.html>

تصویر ۴
Pic5



تصویر ۵: فضای مصنوعی، فضای دستوری و فضای تبیین شده صفات گونه‌ای از فضاهای عمومی شهر است که تفکر برنامه‌ریزان و سازندگان آن دوراز واقعیت بوده است. «پیاده راه آئینی» که در آن موقوفه و ماضیان به چشم می‌خورد؛ سطل زباله در معرض دیدترین عصر آن است، سازه‌های موقت که بهانه جذب کاربران ناد فضاست. تناقض هدف و نتیجه را نشان می‌دهند. همه چیز، بوی تبیین سطحی و تحملی می‌دهد. عکس: مریم السادات منصوری، ۱۳۹۳.

Pic5: "Artificial space, authoritarian space, decorated space, ...", these are some characteristics for some kind of urban public spaces that their people in charge's thought have been far from reality. A "Ritual pedestrian way" in which engines and cars are present, trash bucket is the most visible elements and temporary structures are attraction of a very few users. They manifest the paradox between the product and the action. Everything shows some imposed superficial decoration. Photo: Maryam Mansouri, 2015.

تمامی ابزه‌های محسوس. او زیباشناسی را در معنا و پیام اثر هنری می‌بیند در حالی که کانت بیشتر به ویژگی‌های تجربه زیباشناسانه^۸ معطوف است که آن را زیارت‌تجربیات (عملی و دانش محور) متمایز می‌کند (Talon-Hugon, 2013: 62). نیچه زیباشناسی را در ارتباط هنر با زندگی می‌پاید و هایدگر، اگرچه زیباشناسی را با نظریات هکل نسبتاً موافق است اما معتقد است هنر و طبعاً زیباشناسی، تحت نگاهی پدیدارشناسانه دارای وجهی هستی‌شناسانه است. (Ibid: 72-77).

می‌گیرد که به آن «زیباشناسی» گفته می‌شود. اقدامات زیباشناسانه^۸ کالبدی نیستند، بلکه شامل رفتارها و فعالیت‌های انسانی در فضا و اهمیت ذهنی آن برای مخاطب نیز می‌شوند.

زیباشناسی^۹

زیباشناسی یک دیسیپلین فلسفی است. اقدامی مباحثه‌ای، تحلیلی و مستدل که به روشن‌گری معنایی منتج می‌شود. واژه لاتین آن «aistheta» نخستین بار در سال ۱۷۲۵ توسط «بومگارتن»^{۱۰} فیلسوف آلمانی مطرح و به عنوان «علم شناخت محسوس شیء (ابزه)» معرفی شد (Baumgarten, 1735). بعدتر، دایره المعارف آکادمیک آمریکا (Encyclopaedia American Academic, 1993) و دایره المعارف فلسفه (Filosofica Encyclopaedia, 1967) آن را شاخه‌ای از فلسفه تعریف کرند که هنرها و زیبایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Talon-Hugon, 2013: 3). فیلسوف‌هایی چون افلاطون (Platon, 1995), کانت (Kant, 1995), Hegel (Hegel, 1953), نیچه (Nietzsche, 1967)، هگل (Kant, 1953)، هایدگر (Heidegger, 1987)، دیوئی (Dewey et al, 2010) و دیگران در تبیین وجود گوناگون این مفهوم سخن گفته‌اند. «هگل» براین باور است که زیباشناسی، اصولاً فلسفه هنر است و برخلاف تعریفی که آن را شناخت محسوس ابزه می‌پنداشد، تنها به هنر منحصر می‌شود و نه

و آیندگانمان به اشتراک داریم (Arendt, 1961: 117). از تعاریف فضای عمومی استخراج می‌شود جایگاه کاربران فضای تبیین شده این فضاهایی از افراد است که بی‌هیچ ارتباطی با سایرین در فضا حضور دارند. این تلقی از فضای عمومی بر پایه‌های حقوقی استوار است. به این معنا که حقوق همگان برای استفاده از فضا و حضور در آن برابر است، فضا قابل دسترس برای تمامی افراد است، کاربران فضای به حقوق یکدیگر احترام می‌کارند و حضور هم زمان یکدیگر را در فضا تحمل می‌کنند. خلاصه، آن که در این تعاریف تأکید بر حضور فیزیکی افراد در فضاست.

فضای جمعی اما، علاوه بر ویژگی‌های فضای عمومی که هم عینی هستند (کالبد فضا، خدمات شهری ارائه شده و در دسترس بودن) و هم ذهنی (جریان زندگی شهری، تداوم طی نسل‌ها و تعامل میان افراد) ویژگی دیگری نیز دارد. فضای جمعی محصلو تصاحب فضا توسعه کاربران و فعالیت‌هایشان است. تصاحب فضا با اشغال کردن آن متفاوت است زیرا افراد حاضر در فضای جمعی، برخلاف کاربران فضای عمومی که گروه‌هایی منفک از افراد هستند، واحدهای انسانی را تشکیل می‌دهند که دارای تجربه فضایی مشترک و یکسان‌اند.

از این ویژگی در می‌یابیم وجه تمایز اصلی، معنادار بودن فضای نزد کاربر است و مشخصه اصلی، مداخله انسان برای معنابخشی به آن. این مداخله از طریق اقداماتی صورت

تصویر۳
Pic3



تصویر۶
Pic6



تصویر۶: فضای میدان باستی که در یک روز معمولی به دسترسی سواره اختصاص دارد و در زمانی دیگر، با حادثه‌ای اجتماعی یا سیاسی به فضای کاملاً بپایه بدل شده و امکان حضور جمیعتی را می‌دهد که ادعایی مشترک دارند. همین اتفاق که نزدیک به ۳ قرن پیش نیز در زمان شکل‌گیری انقلاب کبیر فرانسه رخ داده و منجر به پیروزی آن شده بود، موجب ماندگارشدن میدان باستی به متابه فضای اعتراض و پیروزی مردمی در آذهان شهروندان شده است. تکس راست: میریم السادات منصوری. چپ: خبرگزاری رویترز.

Pic6: The Bastille square in Paris that acts as a roadway access and as a totally pedestrian space by hosting people who share some claims while a social or political event. The same event happened in this very space three hundred years ago while the movement of the French Revolution succeeded and made Bastille square persistent in the collective mind of Parisian citizens as the space of protest and people's victory. Photo right: Maryam Mansouri. Left: Reuters media.

آزاده‌نده تلقی می‌شوند. اما در طراحی پل طبیعت با ایجاد فضای نظرگاهی، زیبایی‌آفرینی شده و فضا از موقعیت جغرافیایی و مکان‌یابی اش در شهر بهترین استفاده را کرده و به تصویرسازی و خلق خاطره مشترک بصیری از طریق زیباشناسی کوه و بزرگراه پرداخته است (تصویر۴ و ۵).

نمونه دوم: خیابان انقلاب اسلامی
این فضای شناخته شده تهران، نخست، یک شاهراه تردی است. وجود دانشگاه در قلب آن، کتاب‌فروشی‌ها، سینماها و کافه‌ها موجب تصاحب قوى فضا توسط قشر روش فکر و تحصیل کرده جامعه شده است. خیابان انقلاب دارای ویژگی‌های بالقوه‌ای است که در شرابط ویژه، تبدیل به فضای جمعی می‌شود. مانند تظاهرات سیاسی و اجتماعی علیه یا پشتیبان مسایل کشور از جمله حوادث مرتبط با انتخابات ۸۸ که اگرچه برآمدۀ ازدواج فکر سیاسی متضاد بودند اما برای بیان نظرات خود این فضا را انتخاب کردند. نمونه آشنا تازه‌حوالی که خیابان انقلاب را بستر تحقق خود قرارداد، انقلاب اسلامی ایران است (تصویر۳).

خیابان انقلاب تهران اگرچه لزوماً کالبد فضای جمعی ندارد اما اهمیت آن در ذهن مردم، از هر جناح و تفکری که باشند، تعریف می‌شود. مهم‌ترین ویژگی زیباشناسانه خیابان انقلاب اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک مردم است.

مشترک این تعاریف تلقی کرد.
حال، آن‌چه در این نوشتار با نام «اقدامات زیباشناسانه» مطرح می‌شود عبارت است از مداخلاتی که در شهر با هدف اثرگذاری بر درک کاربراز فضای تحقیق می‌باید. بیشترین حضور انسان در شهر، اعم از فیزیکی یا معنوی، براساس تعاریفی که ارائه شد در فضای جمعی اتفاق می‌افتد. لذا زیباسازی فضای جمعی از ارکان نخستین و بنیادین اثرگذاری بر درک مخاطب و انتقال پیام به ذهن اوست.

زیباشناسی فضای جمعی در تهران
هدف از ارزیابی زیباشناسانه سه نمونه فضای جمعی در تهران، استخراج اقدامات مهم زیباشناسانه در آن‌ها از طریق بررسی و تحلیل ویژگی‌های صوری مداخله است.

نمونه اول: پل طبیعت
این فضای دارای کالبد یک فضای جمعی کاملاً مدرن بوده و با بستری که در آن قرار دارد (پارک آب و آتش که دارای طراحی مدرن است) هماهنگ است. وجه مشخصه آن، تغییر کاربری کلاسیک پل از گذرگاه به توقفگاه است. کاربران با حضور در فضا، غالباً به نظاره منظر بزرگراه شهید مدرس و کوههای مشغول می‌شوند. بزرگراه‌ها در تهران عموماً به خاطر حجم زیاد اتومبیل، راه‌بندان، اتلاف وقت، آلودگی هوا و صوتی، فضاهایی ناملموس و

تصویرها
Pic1



تصویرها: مردمی که از نظرگاه پل طبیعت، با منظر شهر تهران عکس یادگاری می‌گیرند. انتخاب منظر پس زمینه کوه‌های شمال تهران و بزرگراه مدرس برای ثبت خاطره از طرف کاربران متعددی که یکدیگرانمی‌شناختند، نشانه اهمیت این منظر در ذهن آنان است. آنان این تصویر را با سایر کاربران به اشتراک دارند، هرچند با یکدیگر غریبه باشند. عکس: مریم السادات مصویری، ۱۳۹۳.

Pic1: People taking pictures as memories with the urban landscape of Tehran from the Tabiat (Nature) bridge belvedere. This fact that many people not knowing each other choose the same background of Northerner Mountains of Tehran and Modarress highway for recording a souvenir reveals the importance of the landscape in their minds. They share this image with other users, despite being strangers.
Photo: Maryam Mansouri, 2015.

با درنظرداشتن تفاوت‌های ماهوی فضای جمعی و فضای عمومی، زیباشناسی
فضای جمعی از ارکان نخستین و بنیادین اثرگذاری بر درک مخاطب از شهر و انتقال پیام به ذهن اوست.
پل طبیعت و خیابان انقلاب از جمله
فضاهای جمعی تهران هستند که تأکید برایجاد خاطره (در اولین خاطره بصری
و در دومی خاطره تاریخی) مهم‌ترین اقدام زیباشناسانه در آن‌ها بوده است. در مقابل، در پروژه ۱۷ شهریور با محور قرار دادن عناصر کالبدی، تنها به زیباشناسی تزئینی اکتفا شده است.

نمونه مقایسه‌ای: میدان باستی پاریس مطرح کردن یک نمونه موردی خارجی مناسب به نظر می‌رسد. این نمونه که در شهر پاریس است و میدان «باستی» نامیده می‌شود از آن جهت اهمیت دارد که بستری کاملاً مشابه خیابان انقلاب اسلامی تهران و خیابان ۱۷ شهریور دارد: مکان تاریخی انقلاب کبیر فرانسه. در این میدان زندانی با همین نام وجود داشت که طی حادث جولای ۱۷۸۹ تا ۱۴ جولای ۱۷۹۰ (تاریخ پیروزی انقلاب فرانسه) توسط خیل انقلابیون آزاد شد. امروزه میدان باستی که نقش اصلی آن تددی است، تنها دارای یک ستون بلند در مرکز است با نام ستون «جولای^{۱۳}» که یادمان پیروزی انقلاب است. موضوع حائز اهمیت، تجمع تمامی گروه‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و عقیدتی در این نقطه برای برگزاری تظاهرات و گردهم‌آیی‌هاست. مانند خیابان انقلاب اسلامی تهران، فارغ از موضوع تجمع و عقیده گروه‌های شرکت‌کننده در تظاهرات، همگان این فضای را برای ابراز عقیده انتخاب می‌کنند. پایداری میدان باستی از طریق اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک شهروندان از قرن ۱۸ تاکنون تحقق یافته است (تصویر^{۱۴}).

وسایل هفت‌سین مانند تنگ ماهی) در جریان است. این فعالیت‌ها و تدارکات واقعه‌ای اگرچه توانسته جمعیتی حداقلی را به فضای جذب کند اما ویژگی‌های کارکردی و کالبدی خیابان موجب می‌شود طرح ساماندهی پاسخگوی خواسته‌های کاربران فضای نباشد (تصویر^{۱۵}). از علل عدم رضایت‌بخشی مداخله در خیابان می‌توان به قطع ارتباط با بافت اطراف حتی با مسجد امام حسین (ع) (البته ظاهراً این پروژه هنوز تمام نشده اما وضع فعلی آن این طور نشان می‌دهد)، دشواری جابجایی اتومبیل‌های ساکنان محله به خاطربسته شدن کوچه‌ها و طول زیاد خیابان برای جابجایی پیاده اشاره کرد. از طرف دیگر ساماندهی میدان نیز دارای مسایل فراوانی است: مقیاس عظیم و غیرانسانی، فضایی به شدت بادگیر در فصل سرد که امکان توقف در آن را به حداقل می‌رساند، دیواره‌هایی مشبک که رسمًا و البته مصنوعاً ارتباط را با شهر قطع کرده‌اند زیرا شهر را فضایی پرهیاهو قلمداد می‌کند که ساختی با روح آیینی میدان ندارد و تدبیس‌های گنجی که پیامی به بیننده نمی‌رسانند. به نظر می‌رسد تمام تلاش‌هایی که برای تولید فضای جمعی آیینی و اعتباربخشی به خاطره مشترک تاریخی شده، صرفاً کالبدی است (تصویر^{۱۶}).

نمونه سوم: پیاده‌راه آیینی ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع)
این فضا از لحاظ تاریخ سیاسی و اجتماعی، بستری شبیه به خیابان انقلاب تهران دارد: جمعه سیاه و کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷. در طرح ساماندهی این خیابان سعی شده فضای تحت عنوان «پیاده‌راه آیینی» به فضای جمعی تبدیل شود. اتفاقاً به مناسبت عید نوروز، کیوسک‌هایی با همین موضوع در طول پیاده‌راه قرار گرفته‌اند و فعالیت‌هایی موبوط به سنت‌های نوروز (رنگ‌کردن تخم مرغ توسط کودکان، فروش خوارکی‌های نوروزی و

جدول ۱: جدول تحلیلی ارتباط اقدام زیبایشناسانه و نتیجه مداخله. مأخذ: نگارنده.

Table1 : Analysis of the relationship between aestheticization action and product. Source: author.

انطباق نتیجه و هدف مداخله		روش مداخله	اقدام مهم زیبایشناسانه	نمونه‌های موردی
موفق	تاکید بر بزرگراه و کوه	ایجاد خاطره مشترک بصیری	پل طبیعت	
موفق	حفظ عناصر کالبدی و ذهنی حابیز معنا	اعتباربخشی به خاطره تاریخی مشترک	خیابان انقلاب اسلامی	
ناموفق	تعییه کالبدی و مصنوعی عناصر نمادین تزئینی	ندارد	پیاده‌راه ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع)	

خیابان ۱۷ شهریور نه تنها ظرفیتی برای جذب مردم اندیشیده نشده بلکه جمعیت حاضر (ساکنین و کسبه محلی) نیز رانده شده‌اند. در پل طبیعت، طرح برای نیل به آن چه موجب ایجاد خاطره مشترک بصیری می‌شود، ابتدا از طریق خلق فضای تفرج‌گاهی اقدام به دعوت مخاطب کرده است. فضای نه تنها از لحاظ کارکردی موجب جلب مردم است بلکه شکل صوری آن نیز [فارغ از تحلیل‌های سلیقه‌ای] جالب توجه است: پل به مثابه نماد شهری. در گام بعدی، فضای سعی کرده است میان گروه‌های مخاطب حاضر در فضای نقطه همپوشانی پیدا کند. کاربرانی که برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، کافنه‌نشینی، رستوران با قاراملات با دوستان به این فضای جمعی آمده‌اند، پدیده نظاره کوه‌های شمال تهران و بزرگراه شهید مدرس با عبور سیل اتوبمیل‌ها و چراغ‌هاییشان در شب را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و تجربه مشترک نظاره منظر شهر تهران از نظرگاه پل طبیعت را تقسیم می‌کنند.

فعالیت‌های انسان در فضای اجتماعی آن برای کاربر راشامل می‌شود. آن دسته از مداخلات زیبایشناسانه که تنها دارای اهداف ایدئولوژیک اند و برای تحقیق، دست‌آوری‌های تک‌بعدی را مورد استفاده قرار می‌دهند، به هدف خود دست پیدانمی‌کنند و دچار عرضه بی‌معنایی می‌شوند.

جمع بندی | محصولی که از دو مقیاس جزء‌نگر و کل نگر برداشت میدانی در سه نمونه موردی بر می‌آید جدول یک است. هم‌پوشانی مهم‌ترین اقدام زیبایشناسانه در هر مورد تحلیل شده از یک سو و روش اصلی به کار گرفته شده جهت تحقق این اقدام از سوی دیگر از میزان موقیت محصول حکایت می‌کند. در خیابان ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع) علی‌رغم وجود خاطره مشترک تاریخی، آن چه موجب شده پیاده‌راه آینینی ناموفق باشد، دوربودن آن از واقعیت زندگی مردم است. در این طرح، نگاه آرمان‌گرایانه بر فضای سایه انداده که با اقدامات افزایشی و تصنیعی در فضای مانند خیابان انقلاب اسلامی در روزهای معمولی، نقش شریان ارتباطی، فروشگاه کتاب درسی و عمومی و پاتوق اقشار اجتماعی است. در زمان‌های تجمع، همین اشاره، اکثریت حاضر در فضای انتشاری داده و آن را تصاحب می‌کند. در

نتیجه‌گیری | هنگامی که اقدام زیبایشناسانه با روش مداخله در فضای جمعی هم‌سونا شد میزان انطباق محصول و هدف مداخله به حداقل می‌گراید و موجب ناموفق شدن فضای جمعی می‌شود. از آن جاکه اقدام زیبایشناسانه به نوعی مداخله انسان برای معنادار کردن فضاست،

پی‌نوشت

Alexander Gottlieb BAUMGARTEN .۱۰
Place de la Bastille .۱۱
La colonne de Juillet .۱۲

Hannah ARENDT .۷
Aestheticization .۸
Aesthetics .۹

Public sphere .۴
John DEWEY .۵
Place for living together .۶

Public space .۱
Social space .۲
Jürgen HABERMAS .۳

فهرست منابع

- Arendt, H. (1961). *Condition de l'homme moderne*, traduit par Georges Fradier, Paris: Calmann-Lévy coll. «Agora», 414 p.
- Baumgarten, A. G. Dewey, J. (2008). *The Collected works of John Dewey: The Later Works, 1925–1953: 1935–1937*, s.l., Southern Illinois University Press, 752 p.
- Dewey, J. Shusterman, R. et B. S. (2010). *L'art comme expérience*, traduit par Jean-Pierre Cometti, Christophe Domino et Fabienne Gaspari, Paris: Gallimard, 596 p.
- Habermas, J. (1978). *L'espace public : archéologie de la publicité comme dimension constitutive de la société bourgeoise*, traduit par Marc Buhot de Launay, Paris: Payot, 324 p.
- Hegel, G. w. F. (1995). *Cours d'esthétique*, traduit par Jean-Pierre Lefèbvre et Veronika Von Schenck, Paris: Aubier, vol. 2.
- Heidegger, M. (1987). *De l'origine de l'œuvre d'art : première version*, 1935, France, Authentica, 57 p.
- Joseph, I. (2002). «Espace public, urbanité, citoyenneté», Lyon: Certu.
- Kant, I. (1965). *Critique de la faculté de juger*, traduit par Alexis Philonenko, Paris: J. Vrin, 308 p.
- Kant, I. (1953). *Observations sur le sentiment du beau et du sublime*, traduit par Roger Kempf, Paris: J. Vrin, 84 p.
- Levy, J. et Lussault, M. (dir). (2003). *Dictionnaire de la géographie*, Paris: Belin, 1033 p.
- Nietzsche, F. (1967). *Oeuvres philosophiques complétées*, Paris: Gallimard.
- Platon. (1992). *La République: livre I à X*, traduit par Émile Chambray, Paris: Gallimard, 368 p.
- Talon-Hugon, C. (2013). *L'esthétique*, Paris, France, Presses universitaires de France, impr. 2013 (coll. «Que Sais-je ?»), 127 p.

تصویر ۴: دورنمای میدان امام حسین (ع) از ایستگاه اتوبوس بی‌آرتبی (BRT): منفک بودن فضنا از بافت اطراف نه تنها درون فضنا حس می‌شود بلکه به لحاظاً بصري نیز قابل ملاحظه است. دیوارهای مشبک جدا کننده، مناره‌های مسجد که اگچه در حققت، خلی دور نیستند اما گویی در فاصله زیادی از فضنا واقع شده‌اند، مقیاس ابرانسانی خیابان‌ها و نبود دسترسی پیاده به فضنا از مظاهر این ادعا هستند. میدان امام حسین (ع) انگار معلق است. عکس: زینب هنرمند، مخصوصه غلام رضایی، ۱۳۹۳.

Pic4: Perspective of Imam Hossein square from the BRT bus station: the separation of this space is not only felt in the space but is also clearly distinguished by vision. The separating mesh walls, the minarets of the mosque which in fact, are not too far away but seem very distant, the beyond-human scale of the streets and the lack of pedestrian access to this space are some manifestations of this claim. It seems that Imam Hussein square is suspended. Photo: Zeinab Hanzakian & Maasoume Gholam-Rezai, 2014.



تصویر ۴
Pic4

- Kant, I. (1953). *Observations sur le sentiment du beau et du sublime*, traduit par Roger Kempf, Paris: J. Vrin, 84 p.
- Levy, J. et Lussault, M. (dir). (2003). *Dictionnaire de la géographie*, Paris: Belin, 1033 p.
- Nietzsche, F. (1967). *Oeuvres philosophiques complètes*, Paris: Gallimard.
- Platon. (1992). *La République: livre I à X*, traduit par Émile Chambry, Paris: Gallimard, 368 p.
- Talon-Hugon, C. (2013). *L'esthétique*, Paris, France, Presses universitaires de France, impr. 2013 (coll. «Que Sais-je ?», 127 p.

Social Space Aesthetics; Aesthetic Evaluation of Three Cases in Tehran

Maryam Mansouri. Ph.D. candidate in Université de Paris
OUEST Nanterre-LaDéfense.
maryammansouri@gmail.com

Abstract | Social space and aesthetics are the two concepts occupying nowadays a vast position in urban literature. The link for this “dual” stays in the sense of space for human and his role in founding this notion. Aestheticization actions through human intervention in social space guide us to the emergence of a sense in the tangible experience of the audience. These actions determine the compliance between the mind of the audience and the sense. More harmonized is the aestheticization action with the society’s mind; deeper will be the sense of the space for the users. In contrast, aestheticization actions that are far from the society’s mind- usually for ideological, economical or missing program reasons; turn clearly meaninglessness and confused in their product.

Idealistic perspectives in aestheticization actions on social space are [often] unsuccessful and meaningless due to being far from the real society’s life and the user’s mind.,

When the aestheticization action isn’t harmonized with the method of intervention in the social space, the level of compliance between its aim and the product tends to decrease and the social space may fail. Since the aestheticization action is somehow a human’s intervention for giving a sense to the space, it includes its activities in space and its subjective importance for the user. Those aestheticization actions that follow only an ideological aim and to realize, track one-dimensional tools, cannot achieve their aim and turn meaningless.

Keywords | Social space, Aesthetics, Aestheticization action, Tehran.

Reference list

- Arendt, H. (1961). *Condition de l'homme moderne, traduit par Georges Fradier*, Paris: Calmann-Lévy coll. «Agora», 414 p.
- Baumgarten, A. G. Dewey, J. (2008). *The Collected works of John Dewey: The Later Works, 1925-1953: 1935-1937*, s.l., Southern Illinois University Press, 752 p.
- Dewey, J. Shusterman, R et B, S. (2010). *L'art comme expérience, traduit par Jean-Pierre Cometti*, Christophe Domino et Fabienne Gaspari, Paris: Gallimard, 596 p.
- Habermas, J. (1978). *L'espace public : archéologie de la publicité comme dimension constitutive de la société bourgeoise*, traduit par Marc Buhot de Launay, Paris: Payot, 324 p.
- Hegel, G. w. F. (1995). *Cours d'esthétique, traduit par Jean-Pierre Lefebvre et Veronika Von Schenck*, Paris: Aubier, vol. 2.
- Heidegger, M. (1987). *De l'origine de l'œuvre d'art : première version*, 1935, France, Authentica, 57 p.
- Joseph, I. (2002). «*Espace public, urbanité, citoyenneté*», Lyon: Certu.
- Kant, I. (1965). *Critique de la faculté de juger, traduit par Alexis Philonenko*, Paris: J. Vrin, 308 p.